

روزنه

همه آنها که به داووس رفتند

● **شرق:** محمود احمدی‌نژاد دوباره تبدیل به شخصیتی «دائم‌السفر» شده است. او که در آبان ماه برای بازدید از نمایشگاه «کسپووی ۲۰۲۰» به امارات سفر کرده بود، در دی ماه به دعوت یکی از دانشگاه‌ها به ترکیه رفت و حالا نماینده تبریز گفته: «با توجه به دعوتی که از ایشان صورت گرفته آقای احمدی‌نژاد در اجلاس داووس شرکت خواهد کرد».

اجلاس داووس یا همان مجمع جهانی اقتصاد یک سازمان غیردولتی است که در سال ۱۹۷۱ تأسیس شده و مأموریت آن تعهد به ارتقای وضعیت جهان و دیگرکردن رهبران تجاری، سیاسی و دانشگاهی و دیگر رهبران جامعه برای شکل‌دادن برنامه‌های جهانی، منطقه‌ای و صنعتی است. احمدی‌نژاد در سال‌های ۸۴ تا ۹۲ به عنوان رئیس دولت هیچ‌گاه در اجلاس داووس شرکت نکرد. با این‌حال او در سال ۸۶ با اوج مباحث فعالیت‌های هسته‌ای ایران، مجتبی ثمره‌هاشمی‌مشاور اشروح شد را به سوییس فرستاد، دو سال بعد منوچهر متکی وزیر وقت خارجه ایران در داووس شرکت کرد. بعد از آن هیچ مقامی از دولت احمدی‌نژاد به این اجلاس دعوت نشدند. احمد علی‌رضاییکی نماینده تبریز که از نزدیکان احمدی‌نژاد است و با او به ترکیه نیز رفته، با اعلام خبر شرکت احمدی‌نژاد در داووس در رابطه با اینکه آیا سفرهای خارجی احمدی‌نژاد رویکرد سیاسی دارد، به این‌لا گفته: «طبیعی است که آقای احمدی‌نژاد در عین حال که استاد دانشگاه است و تحصیل‌کرده در یک رشته فنی است که مورد قبول مجامع علمی جهانی است، می‌تواند از این امکان برای توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی استفاده کند و این بسیار بارزاش است، هرکسی هم چنین ظرفیتی دارد، می‌تواند این ظرفیت را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار دهد.» او همچنین در پاسخ به این سؤال که با این اوصاف نظر شما درباره شخصیتی مانند آقای خاتمی که جایگاه بین‌المللی ایشان روشن است و تا قبل از ۸۸ هم سفرهای مختلفی به کشورهای مختلف داشتند و اکنون با محدودیت‌هایی برای استفاده از این ظرفیت‌ها مواجه هستید، چیست، عنوان کرد: «ایشان هم می‌تواند این سفرها را انجام دهد و از پتانسیل‌های خود استفاده کند. محدودیت‌ها برای آقای احمدی‌نژاد هم وجود داشت، وقتی پاپیورتش دچار مشکل می‌شود یا حفاظتش به مشکل برخورد می‌کند، برای ایشان هم این موارد وجود دارد اما بالاخره آقای احمدی‌نژاد اثبات‌کردم و مصمم است و به فضل الهی این موارد را پیش می‌برد. آقای خاتمی هم می‌تواند در اینجا ثابت‌قدم‌بودن را نشان دهد و وارد عمل شود؛ حتما خوب است که ایشان هم از جایگاه و اعتبارشان برای کشور استفاده کند.» اظهارات این نماینده مجلس درخصوص محمد خاتمی در حالی است که او سال‌هاست ممنوع‌الخروج است که می‌توان به جلوگیری از سفرش به هیروشیمای ژاپن در سال ۸۹ اشاره کرد که قرار بود در اجلاس سالانه «شورای تعامل در زمینه خلع سلاح هسته‌ای» شرکت کند. در مجالس قبل نیز برخی نمایندگان چندین بار نسبت به ممنوع‌الخروجی و ممنوع‌التصویر و ممنوع‌الیا‌بودن خاتمی تذکر داده بودند.

مقاماتی که به داووس رفتند

شروع حضور مقامات ایرانی در اجلاس داووس به اوایل دهه ۷۰ شمسی برمی‌گردد. سال ۷۱ بود که مرحوم محسن توریبخش وزیر امور اقتصادی دولت مرحوم هاشمی‌فسنجانی برای شرکت در این اجلاس به سوییس سفر کرد. ۱۱ سال بعد، محمدمحمد خاتمی در مقام رئیس‌جمهور در مراسم افتتاحیه مجمع جهانی اقتصاد در سوییس حضور یافت و سخنرانی کرد. خاتمی یک بار دیگر نیز در سال ۸۶، دو سال بعد از پایان ریاست‌جمهوری‌اش و در قامت رئیس مؤسسه بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به سوییس رفت و در اجلاس داووس شرکت کرد. او در سخنرانی خود انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را حق ایران دانست. او همچنین گفت رفتار دولتمردان آمریکا در عراق نشانگر عدم درک حقایق از سوی آنان است. در این نشست «جان کری» ستاؤر و نامزد سابق ریاست‌جمهوری آمریکا نیز حضور داشت و از سخنان خاتمی نیز استقبال کرد. او بعدها در کابینه دوم «باراک اوباما» وزیر خارجه شد و در نشست‌های ۵+۱ یا محمدجواد طریف وزیر خارجه دولت حسن روحانی شرکت داشت که به «برجام» رسیدند. بهمن سال ۹۱، حسن روحانی در ماه‌ای آغازین ریاست‌جمهوری خود به سوییس سفر کرد تا در اجلاس داووس شرکت کند. او در مجمع جهانی اقتصاد از سرمایه‌گذاران خارجی برای حضور در ایران دعوت کرد و گفت ایران ظرفیت آن را دارد تا سه دهه آینده جزه ۱۰ قدرت بزرگ اقتصادی جهان باشد. محمدجواد طریف وزیر خارجه دولت روحانی نیز از سال ۹۲ تا ۹۵ در این اجلاس شرکت می‌کرد. سال ۹۶ با روی‌کارآمدن دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا و حضورش در داووس، طریف از شرکت در آن اجلاس دست‌پوش داد. دو سال ۹۸ نیز در اجلاس داووس شرکت نکرد. سخنگوی وقت وزارت خارجه اعلام کرده بود: «ایشان کم‌لا آمادگی داشتند تا در داووس شرکت کنند. متأسفانه، تغییر یک‌طرفه از جانب مجمع جهانی اقتصاد در برنامه‌ریزی که دو طرف بر سر آن توافق کرده بودند مانع از حضور طریف شد و یک فرصت برای گفت‌وگو در دست رفت». به جز این مقامات تاکنون محمدباقر قالیباف به عنوان شهردار تهران، معصومه ابتکار به عنوان رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست و محمدجواد لاریجانی دبیر وقت ستاد حقوق بشر قوه قضائیه در اجلاس داووس شرکت کرده‌اند.

امیرحسین جعفری: ناگهان صحنه تلویزیون باز شد و به‌جای خوانندگان پرزرق‌وبرق و فیلمفارسی‌های مردانه، دادگاه نظامی به نمایش عموم درآمد و آن زمان هم به علت کمبود رسانه‌ها، حدوداً تمامی برنامه‌های تلویزیون از سوی مردم دیده می‌شد. آنچه مردم در اواخر بهمن ۱۳۵۲ مشاهده کردند، چهره چند جوان مبارز روشنفکرمسلک به اتهامی بزرگ بود. یکی از آنها که دفاعیات او گویا از زیر دست سانسور چپان تلویزیون دررفت، خسرو گلسرخی نام داشت. شاعر، کارمند روزنامه کیهان و هوادار جریان چپ مارکسیستی بود و از او تعدادی شعر، نقد ادبی و هنری و فرزند ی به نام دامون و فیلمی از دفاعیات پرشور باقی مانده است. باید به این نکته نیز توجه داشت که گلسرخی شاید دوستان و همراهانی در سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران داشته بود، اما به‌طور رسمی و به واقع هیچ‌گاه با این سازمان فعالیت خاصی را تجربه نکرده بود. وی دفاعیاتی مفصل نیز در تلفیقی از باورهای مذهبی و مارکسیستی درباره مبارزه با شاه را به نمایش گذاشت و در آخر نیز رئیس دادگاه اجازه تمام‌کردن صحبت را به گلسرخی نداد. گلسرخی در بخشی از این دادگاه می‌گوید:

«زندگی مولا حسین نمودار زندگی اکنونی ماست که جان‌برکف، برای خلق‌های محروم میهن خود در این دادگاه محاکمه می‌شویم. او در اقلیت بود؛ یزید، بارگاه، قشون، حکومت و قدرت داشت، او ایستاد و شهید شد. هرچند یزید گوشه‌ای از تاریخ را اشغال کرد، ولی آنچه در تداوم تاریخ تکرار شد، راه مولا حسین و پایداری او بود، نه حکومت یزید. آنچه را که خلق‌ها تکرار کردند و می‌کنند، راه مولا حسین است. بدین‌گونه است که در یک جامعه مارکسیستی، اسلام حقیقی به‌عنوان یک روبنای قابل توجیه است؛ و ما نیز چنین اسلامی را اسلام حسینی و اسلام علی را تأیید می‌کنیم. من در این دادگاه برای جانم چانه نمی‌زنم و حتی برای عِمرم، من قطره‌ای نانیز از عظمت، از حرمان خلق‌های مبارز ایران هستم. خلقی که مزدک‌ها، مازنا‌ها، بابک‌ها، یعقوب‌لیث‌ها، ستارها و حیدرعمولی‌ها، پسیان‌ها و میرزاوچک‌ها، ارا‌نی‌ها و روزبه‌ها و وارطان‌ها داشته است. آری من برای جانم چانه نمی‌زنم؛ چراکه فرزند خلقی مبارز و دلاور هستم.»

پس از او کرمانت‌الله دانشیان نیز دفاعیات خود را خواند؛ اگرچه گلسرخی بیشتر مورد توجه عموم قرار گرفت. آن گروه که تلفیقی از جوانان شیرازی و تهرانی بودند، عمدتاً نجات یافتند، اما خسرو گلسرخی و کرمانت‌الله دانشیان در نهایت به جوخه اعدام سپرده شدند. اینکه چه شد که گلسرخی، دانشیان، علامه‌زاده، فرهنگ جمشیدی و دیگر اعضا این پرونده دستگیر شدند، بحث مفصل دیگری است که مطلب دیگری را هم می‌طلبد، اما آنچه از آن پرونده به یادگار ماند، این بود که درخیمان شاه اگرچه شادمان از حذف این جوانان بودند، اما نمی‌دانستند که این واقعه تا سال‌ها به‌عنوان یک جنایت در پرونده خویشانشان باقی خواهد ماند. خسرو گلسرخی در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۵۲ به جوخه اعدام سپرده شد.

به مناسبت سالگرد اعدام خسرو گلسرخی گفت‌وگویی داشتیم با دو هم‌سلول او در زندان قصر که مشروح آن را می‌خوانید. عزت‌الله مطهری (شاهی)، زندانی سیاسی پیش از انقلاب که در جریان مبارزه با نیروهای مذهبی دستگیر شده بود و باورهای عمیق مذهبی نیز داشت، در بازه زمانی کوتاهی با گلسرخی هم‌سلول بوده است. از او درباره خاطراتش با گلسرخی در زندان‌های قصر و کمیته مشترک ضد خرابکاری پرسیدیم: «اوایل سال ۱۳۵۲ من که در زندان کمیته مشترک بودم، در یکی از این روزها خسرو گلسرخی را به زندان آوردند و با من هم‌سلول شد. ایشان در آغاز به این علت که تعدادی از دوستانش را دستگیر نکرده بودند، نگران بود که آنها دستگیر شوند و من هر روز می‌دیدم که ناراحتی دارد. می‌دیدم من هر شکنجه‌ای می‌شوم و شلاق می‌خورم و بدنم زخم است. من را نصیحت می‌کرد که چرا این‌قدر خودت را اذیت می‌کنی، هرکسی خیزه می‌خورد پای لرز آن هم می‌نشیند که من نظرم این بود که ما اعتقادمان این است که باید نسبت به مسائل این چنینی ازخودگذشتگی داشته باشیم و خود را فدای مبارزه کنیم و اگر هرکسی دستگیر می‌شود اطلاعاتش را بدهد که در بیرون چیزی برای مبارزه باقی نمی‌ماند. بنابراین ما برای اعتقادات مذهبی و سیاسی حاضر هستیم خود را به کشتن دهیم، اما رفتای ما به زندان نیابند. به هر حال با او بحث‌های زیادی داشتیم و برخورد صادقانه‌ای با هم داشتیم. ایشان مدتی که با من هم‌سلول بود، خیلی به من علاقه‌مند شد. زمانی هم که من از کمیته مشترک بیرون آمدم، من به زندان اقرار کردم که گلسرخی را هم با من به قصر آوردند و خوشبختانه باز هم در آنجا در یک اتاق افتادیم و در اتاق یک بودیم. پرونده من روشن بود، اما او هنوز دل‌نگران بیرون بود و تعدادی از دوستان او را هم به مرور دستگیر کردند و نگران بازجویی‌ها بود که او را دلداری می‌دادم و می‌گفتم تو که من را نصیحت می‌کردی که این‌قدر اذیت نشو که الان بدتر از من شده‌ای و خودت را اذیت نکن. زمانی که با دوستان

سیاست

گلسرخی به روایت هم‌بندی‌ها

او برای جانش چانه نزد

به بهانه سالگرد محاکمه



روبه‌رو شدی، آنچه صلاح است قبول کن و آنچه صلاح نیست قبول نکن. به هر صورت دو ماهی با هم هم‌اتاق بودیم و یک روز ایشان را خواستند که به کمیته برگردند؛ زمانی که دوباره به قصر بازگشت بحث‌های مفصلی با هم درباره مذهب و آخرت و عدالت و مارکسیسم داشتیم. من به او می‌گفتم ما که به امام حسین معتقد هستیم امام حسین حاضر شد از فرزند شش‌ماهه خود هم صرف‌نظر کند اما از رهبران شما کدامیک حاضر هستند چنین کاری کنند؟ با حضرت علی حاضر بود تمام زندگی خود را به مردم ببخشند. آن زمان هم مقاله‌ای در روزنامه خوانده بودم که نخست‌وزیر شوروی به آلمان رفته بود تا کلکسیون ماشینش را که دو ماشین کم داشت تکمیل کند یا برزنف مرزعه بزرگی در آفریقای جنوبی داشت و فرزندش را به سرپرستی آنجا گذاشته بود با وجود این به گلسرخی گفتم رهبران شما که معتقدید فدای خلق می‌شوند چنین زندگی‌هایی دارند ما در سنت‌های مذهبی و روایت‌ها این را داریم که اگر حتی پیرهن شما یک دکمه غصبی داشته باشد و حق مردم باشد، نماز شما باطل است! ولی رهبران شما چگونه زندگی می‌کنند؟ آنها کلکسیون ماشین را از کجا آورده‌اند؟ جز اینکه با سوءاستفاده از اموال مردم این پول‌ها را جمع کرده‌اند؟ مسائل اقتصادی هم که درباره عدالت مطرح می‌کنید ۱۴۰۰ سال پیش حضرت علی در نهج‌البلاغه آنها را مطرح کرده است. حالا شما بعد از ۱۴۰۰ سال این حرف‌ها را به صورت شعار و تئوری می‌یزید. هرکدام می‌گویند ما می‌خواهیم فدای کارگر بشویم ببینید زندگی‌شان چگونه است اما رهبران دینی ما به این حرف‌ها عمل کرده‌اند. به طور کلی روایات مذهبی را برای او تعریف می‌کردم. این مسائل باعث شد گلسرخی نسبت به مذهب علاقه‌مند شود و بعد از اینکه به دادگاه رفت در دفاعیاتش از حضرت علی و امام حسین به عنوان رهبر خلق‌های جهان یاد کرد و از اسلام دفاع کرد که رئیس دادگاه نیز نگذاشت او حرف‌هایش را بزند و با اعتراض نشست و حکم اعدام به او دادند. زمانی هم که با من هم‌بند بود جزئیات پرونده او را نمی‌دانستم و بعدا شنیدم که قرار بوده در جشن هنر شیراز یک حرکت مسلحانه انجام دهند که دستگیر شدند و برخی از هم‌پرونده‌های او زیر بازجویی خوب عمل نکردند. عزت‌شاهی در پایان درباره رفتار گلسرخی نسبت به نیروهای مذهبی گفت: «گلسرخی قبل از اینکه به دادگاه برود یک کت و شلوار مشکی داشت. آن را به من داد و گفت من می‌روم و معلوم نیست برگردم، اگر برگشتم کت و شلوار را به من بده اگر هم برگشتم مال خودت باشد که بعد از اعدام چون خانواده‌اش را نمی‌شناختم، از طریق ملاقاتی‌های خودم آن کت و شلوار را به بیرون فرستادم تا آن را بشورند و به یک مستحق بدهند تا ثواب آن نثار روح خودش باشد. الان هم در قطعه ۳۳ بهشت‌زها خاک شده است که در این چند سال چهار دهفه سر قبر ایشان رفته‌ام چون نسبت به مذهب احترام می‌گذاشت و نسبت به برخی از مارکسیست‌ها که ضدمذهب بودند و مذهب را اقیون توده‌ها می‌دانستند اما خسرو گلسرخی به مذهب احترام می‌گذاشت و من نیز به خاطر رفتار صادقانه او چند دهفه سر قبر او رفتم و از خدا برای او تقاضای آمزش کردم. به هر حال او آدم معاندی نبود اما برخی از مارکسیست‌ها معاند بودند و به مذهب و نماز و خدا توهین می‌کردند ولی از گلسرخی توهینی نسبت به مذهب و خدا ندیدم.»

کامران پورصفدر که پیش از انقلاب در جریان یک تظاهرات دانشجویی به زندان افتاد و با گروه‌های چپ‌گرا همراهی داشت نیز چند ماهی با گلسرخی هم‌سلولی را تجربه کرده بود. از او درباره حضور خسرو گلسرخی و رفتار او با دیگر زندانیان پرسیدیم:

«در تابستان ۱۳۵۲ در زندان شماره ۴ قصر باز شد و چند زندانی وارد حیاط شدند که یکی از آنها با سیبل‌های برجسته قابل توجه بود. البته من خسرو گلسرخی را قبلاً در دانشگاه ادبیات در جریان نمایش‌نامه‌خانه‌بارانی نوشته و کارگردانی آقای فرامرز طالبی دیده بودم و کمی صحبت کرده بودیم و از زمستان ۵۰ چهره او در ذهن من مانده بود و سال ۵۲ که وارد زندان شد از او استقبال کردم. آن زمان هم استقبال با این شکل بود که برای زندانی‌های جدید دست می‌زدند و سرود می‌خواندند و… برای ما هم ورود گلسرخی تعجب‌آور و از یک طرف هم خشنودکننده بود. از این جهت خشنودکننده که روشنفکران و هنرمندان که تمایل سیاسی مشخصی نشان نمی‌دادند در خدمت مبارزه قرار گرفته‌اند یادمان نرود که زندانی‌شدن او خشنودکننده نبود بلکه حضور او میان جریان مبارزه قابل توجه بود.

خسرو گلسرخی بسیار شاداب و خوشحال وارد شد و اساساً برخی رفتارهای غرورآمیزی را که برخی روشنفکران و هنرمندان داشتند، نداشت و از تفرعن بی‌بهره بود و در شوخی‌ها و همراهی‌های ما در کمون و کمون یاری شرکت می‌کرد و در ورزش هم حضور داشت. حتی زمانی که حوادث سنگین تابستان ۵۲ گذشت و امکان گفت‌وگوهای وسیع وجود نداشت، گلسرخی هم شرکت می‌کرد. او از خاطراتش مبنی بر شنیدن برخی اسامی عجیب تعریف می‌کرد و آنها را در ذهن داشت. یکی از آن اسامی آویزان‌زاده سفور پارک یا لاک‌پشت‌زاده بود. به هر حال آن چند ماهی که با هم بودیم گلسرخی بسیار چهره فعال، خون‌سرد، خوش‌برخورد و با توانایی‌های قابل قبول بود. گلسرخی و دانشجویان هواداران سازمان بودند مثل تمام ما که در زندان صرفاً طرفدار بودیم. آن دوره غیر از اعضای حزب توده و مائونیست‌ها همه هوادار چریک‌ها بودند.

آن زمان شرایط زندان سخت بود و برخی کلمات را هم نمی‌توانستیم بگوییم. آن دوره حتی سفره دسته‌جمعی را هم سخت تحمل می‌کردند و کمون‌ها را جمع کردند؛ اما بچه‌ها به هر ترتیب این‌کمون‌ها را نگهداری کردند تا زندانی‌های بعدی از داشته‌های موجود محروم نباشند. به هر حال جمع داخل زندان تحت فشارهای سنگین سرهنگ زمانی و محرکی به حیات خود ادامه داد. خسرو گلسرخی هم در این شرایط زندان بود و سختی‌ها را تحمل می‌کرد؛ باوجوداین شوخی‌های گلسرخی بسیار شیرین و جذاب بود. آنجا یک حوض کوچک داشتیم که نهایتاً یک متر بود و بچه‌ها با شهامت در آن شیرجه می‌زدند. خاترم هست یک بار خسرو یکی از بچه‌ها را داخل حوض هل داد که دماغ آن فرد زیر شکی و پیرز از آن خسرو بسیار ناراحت شد. من از گلسرخی جز خبری و چیزی به خاطر ندادم.

پورصفدر در پایان درباره واکنش‌ها نسبت به دادگاه گلسرخی گفت: «وقتی خسرو در دادگاه آن چهره را از خود نشان داد، برای من غیرطبیعی نبود. شاید برخی دوستان ما آن واکنش و مقاومت و صراحت در دشمنی با شاه را ناشی از امر دیگری تشخیص می‌دادند؛ اما برای من غیرطبیعی نبود و بدون اینکه تعجب کنم به آن دفاعیه درخشان گوش کردم؛ چون در آن چند ماهی که با هم بودیم، خلق‌وختی او دست‌مان آمده بود و بسیار مهم است که مردم با خودشان و دوستان‌شان چگونه رفتار کنند و این چگونه‌بودن می‌تواند برای ما رفتارهای آینده را ترسیم‌کند. خسرو گلسرخی در آن چند ماهی که با هم بودیم، خطوط آینده زندگی خود را در ذهن دوستان و هم‌سگانش ترسیم کرده بود. او بسیار شاداب بود و وقتی هم رفت، با شادی رفت. البته روز رفتن دیگر تشریفات خاص زندانی‌ها را نداشتیم و او را زیر هشت صدآ کردند و زندان رفت و دیدیم که چه شد… او سنت درخشان ایستادگی در مقام ستم را از خود به جا گذاشت. پادش بخیر انسان شریف و مردم‌دوستی بود.»

پیش‌تر در تاریخ ششم تیرماه ۱۴۰۰گفت‌وگویی با بهزاد فراهانی با عنوان «روایتی دیگر از عصر چریک‌ها» داشته‌ایم که در قسمتی از آن به صحبت درباره خسرو گلسرخی پرداخته بود که بخش‌هایی از آن را می‌خوانیم: «ما با هم خیلی رفیق بودیم. همسر ایشان در رادیو با ما همکار بود. ما از طریق رحمان هاتفی ارتباط داشتیم. هاتفی مرد بزرگی بود، معلم ما بود، دوستش داشتیم. آن زمان بچه‌های چپ در کیهان قدرت عظیمی بودند. جلال سرفراز، گلسرخی، هاتفی و… خسرو مقداری از بچه‌های مستقیم چپ کناره‌گیری می‌کرد؛ اما مطالعه داشت و خوب یاد می‌گرفت. باحیا بود و شرم شرقی عجیبی داشت. می‌شود گفت تا زمانی که توقیف نشده بود، بچه‌ها از خسرو یک چهره بسیار دموکرات داشتند. بعد از بازداشتش دیدیم از زیر این خاکستر چه قفونی بیرون زد. او سنت و کامونیست نبود؛ دانست؛ اما حرف‌هایی می‌زد که انگار ریشه مذهبی داشت. این یک واقعیت است که شما نمی‌توانید در یک کشور شیعه زندگی کنید و شناخت شیعی شما کم باشد. ما باید به دلستگی‌های مردم احترام بگذاریم؛ وگرنه جواب سلام ما را هم نمی‌دهند. اگر تقدس حسینی جایگاه ویژه تاریخی دارد، باید او را بشناسیم.»

دفاع از نظام پارلمانی با پیش شرط انتخابات حزبی

دفاع از نظام پارلمانی با پیش شرط انتخابات حزبی

حق با باهنر بود

اساسی اصلاح شود و بگویند ما دو مجلس می‌خواهیم یا مجلس شش‌ساله باشد یا حکومت به جای ریاستی، پارلمانی باشد». ایده‌ای که به نظر می‌رسد در میان دیگر اصولگرایان هم طرفدار دارد و به تکرار در سال‌های گذشته مستقیم یا غیرمستقیم به آن اشاره شده یا بحث پیش‌کش شده است؛ نکته این است: «اقتضا اشاره باهنر به انتخابات حزبی هم دقیقاً در راستای همین پیرنگ‌شدن نقش مردم است. وقتی انتخابات حزبی شود، یعنی حزب به جای فرد باید در برابر تصمیمات خود به مردم پاسخ‌گو شود. حزبی که در کسب نظر و رضایت مردم موفق نباشد، قطعاً برای دور بعد از شانس کمتری برای صعود به قدرت برخوردار می‌شود. زمانی یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب در نقد نظام انتخاباتی فعلی، به‌ویژه در حوزه مجلس، گفته بود افراد از مردم رای می‌گیرند، اما در نهایت در مجلس به دنبال منافع فردی–سیاسی خود می‌روند و به کسی هم پاسخ‌گو نیستند؛ نه به مردم و نه جریان سیاسی‌ای که از آن برخاسته‌اند. درحالی‌که در نظام انتخاباتی حزبی، فرد اولاً نمی‌تواند فردی و خارج از سیاست حزبی خود عمل کند و حزب هم با توجه به برنامه‌هایی که ارائه کرده و قول‌هایی که به مردم داده است، اجازه نمی‌دهد اعضایش بر مبنای منافع فردی و مصالح شخصی و باندی عمل کنند. اتفاقاً بخشی دیگر از جریان اصولگرایی در ساختار قدرت هم از نظام انتخابات حزبی دفاع کرده‌اند. به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان اینجا به جای گفتن این که به استیقال از این سخنان بخرد، مثلاً

مردم در انتخابات و جمهوری نظام را کم‌رنگ‌تر کند،

خبر

درخواست وزارت کشور برای اصلاح یک مصوبه دولت

● **ایرنا:** وزارت کشور با توجه به مسائل و مشکلات استان مرزی ایلام و به صورت خاص شهرستان‌های مرزی از قبیل نرخی بی‌کاری بالا، محرومیت و عدم توسعه زیرساخت‌ها، خواستار اصلاح مصوبه دولت درباره ایجاد اشتغال پایدار در مناطق مرزی و بهره‌مندی استان ایلام از امتیازات مندرج در این مصوبه شده است.
استان ایلام از لحاظ جغرافیایی دارای بیشترین مرز مشترک با کشور عراق بوده و چهار شهرستان دهلران، مهران، ملکشاهی و چوار با جمعیتی بالغ بر ۱۳۰ هزار نفر در مناطق مرزی سکونت دارند که مهم‌ترین مسائل و مشکلات این مناطق، عدم توسعه زیرساخت‌های لازم، نرخ بی‌کاری بالا و مهاجرت به مناطق مرکزی است‌بنابراین به منظور ایجاد امنیت و اشتغال پایدار در مرزها و جلوگیری از مهاجرت مرزنشینان به سایر شهرستان‌ها یا سایر استان‌های کشور، نیازمند توجه و اتخاذ تدابیر ویژه جهت توسعه زیرساخت‌ها و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق یادشده است.
در این راستا دولت وقت در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۴ برنامه ملی تقویت کسب و کار و معیشت مرزنشینان و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق مرزی را مصوب و ابلاغ کرد که براساس ماده (۴) مصوبه مذکور، استان ایلام از زمره استان‌های دارای اولویت، جهت بهره‌مندی از امتیازات پیش‌بینی‌شده در مصوبه فوق لحاظ نشده است؛ بنابراین با توجه به مسائل و مشکلات استان مرزی ایلام و به صورت خاص شهرستان‌های مرزی نرخی بی‌کاری بالا، محرومیت و عدم توسعه زیرساخت‌ها، وزارت کشور پیشنهاد اصلاح ماده یادشده را به دولت ارائه کرده است.
پیشنهاد مذکور هم‌اکنون در کمیسیون اقتصاد دولت مراحل بررسی کارشناسی را طی می‌کند.

«آفرین» سردار کوثری به سپاهیان

● **فارس:** محمداسماعیل کوثری، نماینده تهران در مجلس، در واکنش به فایل صوتی منتشرشده گفت: آنچه از این فایل صوتی برداشت می‌شود، این است که فرماندهی وقت سپاه پاسداران وظیفه اصلی و اساسی خود را به خوبی انجام داده و نشان داده که با حساسیت آنچه را در زیرمجموعه‌اش می‌گذرد، پیگیری می‌کند و بر لزوم برخورد با تخلفات تأکید دارد. وی افزود: آن حساسیت، دقت و امانت‌داری که ما همیشه از سردار عزیزجعفری سراغ داشته‌ایم، در این فایل صوتی هم به خوبی مشهود است که از معاون اقتصادی سپاه جزه به جزه مسائل قرارداده‌ا و افراد را می‌پرسد و در همان‌جا تأکید می‌کند که با کسانی که تخلف کرده‌اند، محکم برخورد شود؛ و اتفاقاً این برخورد نیز صورت گرفته است. او افزود: متمهان این پرونده حدود دو سال قبل محکوم شده‌اند و اطلاعات آن نیز از سوی سخنگوی وقت قوه قضائیه اعلام شده است و لذا آن چیزی که امروز رسانه‌های بیگانه و ارتجاع منطقه دنبال می‌کنند، نشان می‌دهد چون چیزی برای روکردن ندارند، یک فایل تکراری را بازتشریح کرده‌اند و خیال می‌کنند که به سبند شده‌اند! دست یافته‌اند. اگر کسی با دقت و منصفانه این فایل صوتی را گوش کند، به فرماندهان سپاه آفرین می‌گوید که با حساسیت مسائل رخداده را دنبال می‌کنند و تلاش می‌کنند تا سلامت مجموعه حفظ شود.

عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها: مشکلی از لحاظ قانونی جهت صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان وجود ندارد

● **ایلنا:** جلال رشیدی‌کوچی، عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در صفحه توئیتر خود عنوان کرد: جدیداً اخباری مبنی بر مصوبه موتورسواری بانوان به دلیل نداشتن گواهینامه منتشر شده است. استاد نیروی محترم انتظامی به تبصره ماده ۲ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۷۵ مجلس است. (صدور گواهینامه رانندگی موتورسیکلت برای مردان بر عهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است). با توجه به صدور حکم یکی از شعب دیوان عدالت اداری در سال ۹۸ مبنی بر اجازه صدور گواهینامه برای بانوان ایرانی و اینکه برای موتورسواری و دوچرخه‌سواری بانوان اصولاً صانع قانونی وجود ندارد و قید مقرر در ماده ۲۰ نافی صلاحیت آن مرجع مبنی بر اختیارات و وظایف صدور گواهینامه برای زنان نیست، به عبارت دیگر اثبات شی، نفی ماعدا نمی‌کند. به نظر می‌رسد مشکلی از لحاظ قانونی جهت صدور گواهینامه برای بانوان ایرانی نیست. این موضوع را از دو جهت در مجلس پیگیری خواهم کرد: الف_ نظارتی با طرح سؤال از وزیر محترم کشور. ب_ تقنینی با ثبت طرح اصلاحیه قانون و اضافه‌کردن کلمه زنان.

فرمانده کل سپاه پاسداران:

دشمنان ما در مقابل اقتدار ایران اسلامی عاجز و ناتوان شده‌اند

● **فارس:** سردار حسین سلامی گفت: آموخته‌ایم که باید در مقابل دشمنان خدا بایستیم تا مردمانِ ایمن و آرام باشند، آرامش بگیرند و امروز فرزندان ملت ایران در هوا، زمین و دریا مقابل دشمنان صف به صف ایستاده‌اند تا راه را بر آنان ببندند و به فتنل الهی دشمنان ما امروز در مقابل اقتدار و قدرت ایران اسلامی عاجز، ناتوان و زمین‌گیر شده‌اند به‌گونه‌ای که قدرت حرکت ندارند.